

مناظرات امام باقر (ع)

در دوران امامت حضرت باقر-علیه السلام-فرقه های مذهبی و گروههای سیاسی و مذهبی متعددی مانند: معتزله، خوارج و مرجئه فعالیت داشتند ...



در دوران امامت حضرت باقر-علیه السلام-فرقه های مذهبی و گروههای سیاسی و مذهبی متعددی مانند: معتزله، خوارج و مرجئه فعالیت داشتند و امام باقر-علیه السلام-همچون سدی استوار در برابر نفوذ عقائد باطل آنان ایستادگی می نمود و طی مناظراتی که با سران این گروهها داشت، پایگاههای فکری و عقیدتی آنان را درهم می کوبید و بی پایگی عقائدشان را با دلایل روشن ثابت می کرد. در اینجا به عنوان نمونه گفتگوی آن حضرت را با «نافع بن ازرق» ، یکی از سران خوارج، از نظر خوانندگان محترم می گذرانیم:

روزی «نافع» به حضور امام رسید و مسائلی از حرام و حلال پرسید. امام به سؤالات وی پاسخ داد و ضمن گفتگو فرمود: به این مارقین (از دین خارج شدگان) بگو: چرا جدایی از امیر مؤمنان-علیه السلام-را حلال شمردید، در صورتی که قبلاً خون خویش را در کنار او و در راه اطاعت از او نثار می کردید و باری او را موجب نزدیکی به خدا می دانستید؟! امام افزود: آنان خواهند گفت که او در دین خدا حکم قرار داد. به آنان بگو: خداوند در شریعت پیامبر خود در دو مورد دو نفر را

حکم قرار داده است؛ یکی در مورد اختلاف میان زن و شوهر است که می فرماید: «و اگر از جدایی و شکاف میان آنها بیم داشته باشید، داوری از خانواده شوهر و داوری از خانواده زن انتخاب کنید (تا به کار آنان رسیدگی کنند) اگر این دو داور تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند کمک به توافق آنها می کند (زیرا) خداوندانا و آگاه است» (1).

دیگری داوری «سعد بن معاذ» است که پیامبر اسلام او را میان خود و قبیله یهودی «بنی قریظه» حکم قرار داد، و او هم طبق حکم خدا نظر داد. آنگاه امام افزود: آیا نمی دانید که امیر مؤمنان حکمیت را به این شرط پذیرفت که دو داور بر اساس حکم قرآن داوری کنند و از حدود قرآن تجاوز نکنند و شرط کرد که اگر بر خلاف قرآن رای بدهند، مردود خواهد بود؟ وقتی که به امیر مؤمنان گفتند: داوری که خود تعیین کردی بر ضرر تو نظر داد، فرمود: من او را داور قرار ندادم، بلکه کتاب خدا را داور قرار دادم. پس چگونه مارقین حکمیت قرآن و مردود بودن خلاف قرآن را گمراهی می شمارند، اما بدعت و بهتان خود را گمراهی به حساب نمی آورند؟! «نافع بن ازرق» با شنیدن این بیانات گفت: به خدا سوگند این سخنان را نه شنیده بودم و نه به ذهنم خطور کرده بود، حق

همین است ان شاء الله! (2)

پی نوشتها:

(1) و آن خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکما من اهله و حکما من اهلها ان یريدا اصلاحا یوفى الله بینهما ان الله کان علیما خبیرا (سوره نساء: 35).

(2) طبرسی، احتجاج، نجف، المطبعة المرتضوية، 1350، ج 2، ص 176.

منابع مقاله:

سیره پیشوایان ، پیشوایی، مهدی